

گزیده مقاله‌شناسی توصیفی

بهار ۱۳۸۵

به کوشش: فاطمه زمانی

کیهان ۱۳۸۵/۱/۲۹ - ۱۸۴۹۶

تحرک سایه ملخ با ماجراهای پی‌در پی، نقد و

بررسی کتاب

طیبه قنبری

رگه‌های روستایی نویسی و بومی‌نویسی را نمایان ساخته. نمادهایی را که او در سایه ملخ به کار برده، می‌توان در عالم واقعیت نیز دید و لمس کرد. درواقع تخیل در این داستان، کم‌تر به چشم می‌خورد. نویسنده با خلق شخصیت اصلی داستان، یعنی صابر، نوجوانی را به تصویر می‌کشد که در عین حال که فردی پرکار، پرتلاش و ساعی است، اما هرازگاهی قصوری نیز در وظایفش رخ می‌دهد. در حقیقت نویسنده، شخصیت صابر را چندان بزرگ، قدرتمند و شجاع نمی‌داند یا نمی‌خواهد چنین ذهنیتی را به خواننده نوجوانش القا کند. در اثبات این ادعا، همین بس که صابر در عالم تنهایی و در تاریکی شب، به خلق شیخ نیز می‌پردازد و خیالات عجیب و غریب به سراغش می‌آیند.

نویسنده با استفاده از توصیف‌ها و ترکیب‌های درست و به جا و بهره‌گیری از ابتکارات توصیفی، جایگاه قابل قبولی به نثر داستان داده، با ایجاد هیجان در لابه‌لای داستان، همواره حس کنجکاوی خواننده را برانگیخته و به اشکال متفاوت، او را تا پایان داستان همراه کرده است. در این اثر، فداکاری با جسارت و دلیری‌های صابر و حاتم رخ می‌نماید و انعطاف، مردانگی و غیرت روستاییان برای تشکر از این فداکاری، در هدیه کردن گوسفندان جلوه‌گر می‌شود. پایان داستان، گرچه از جنگ و نابودی صحبت می‌کند و فضای تیره و تاریک سوختن روستا را درشعله‌های فروزان تهاجم اهریمن نشان می‌دهد، وحدت و یکپارچگی روستاییان را در مواقع نیاز، به وضوح به تصویر می‌کشد.

محمد رضا بایرامی، بیش از دو دهه است که برای گروه‌های سنی مختلف داستان می‌نویسد، اما عمده فعالیت او در حیطه کودکان و نوجوانان است. «سایه ملخ» از جمله آثار اوست که به جنگ، سنت‌ها و زندگی روستایی از نگاهی متفاوت می‌پردازد. درواقع پایان داستان، زمانی است که جنگ تحمیلی ایران و عراق آغاز می‌شود. این کتاب، از جشنواره‌های مختلفی مانند جشنواره ادبی - هنری روستا، کتاب سال شهید حبیب غنی پور و ... جوایزی کسب کرده است. داستان از آن‌جا شروع می‌شود که «صابر» با «من» راوی» به شناساندن فضا، حال و هوای داستان و معرفی شخصیت‌های داستانی می‌پردازد. از همان ابتدای داستان، مشکل اصلی خانواده، یعنی عمل جراحی چشمان کم‌سوی پدر مطرح می‌شود. زندگی روستایی، با سنت‌های حاکم بر فضای روستا، در قالب شخصیت مردسالاری به وضوح در داستان به چشم می‌خورد. ساده زیستی و زندگی سنتی، به خوبی توسط نویسنده مطرح شده و بر فضای داستان سایه افکنده است. داستان در فصل تابستان رخ می‌دهد؛ زمانی که مدرسه تعطیل و صابر در کنار دیگر اعضای خانواده، در تلاش است. بایرامی در این اثر، همانند آثار قبلی‌اش،

شرق ۷۲۸ - ۱۳۸۵/۱/۱۶

دوستی کودکان زیر گنبد کبود؛ به مناسبت پایان
برنامه تبادل فرهنگی ایران و هلند
هیربدر کهن

کتاب

پروژه تبادل فرهنگی، از سال ۱۳۸۲، بین ۳۱ کودک هلندی و ۳۴ کودک ایرانی ۹ تا ۱۱ ساله به اجرا درآمد. مؤسسه سلطنتی هلند و موزه مردم شناسی و موزه کودک هلند، با هدف آشنایی کودکانشان با فرهنگ‌های مختلف، در این پروژه، فرهنگ ایرانی را به دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها معرفی کردند. در طول این پروژه، با وقوع زلزله بم، بچه‌های هلندی با ساخت کاردستی و انجام فعالیت‌های هنری و جمع‌آوری کمک‌های نقدی، به همدردی با کودکان ایرانی پرداختند. نمایشگاه عکس، از دیگر برنامه‌های پروژه تبادل فرهنگی بود. از دیگر فعالیت‌های این پروژه، کارگاه تصویرگری با مسئولیت بهزاد غریب‌پور بود. وی در این باره می‌گوید: این بچه‌ها دو سال و اندی با هم آشنا هستند. این کارگاه نشان دهنده توان بچه‌هایی است که می‌خواهند در کنار هم بودن و کار گروهی را تجربه کنند و باتوجه به زمان محدود، برای نتیجه مؤثر، ناچار بودیم که کارگاه کوتاه مدت باشد. برای کارگاه تصویرگری، دو قصه هلندی و ایرانی خوانده شد تا کودکان به دلخواه، تصویرسازی یکی از آن‌ها را انجام دهند و همین زمینه‌ای شد برای تبادل و نقاشی بهانه‌ای بود برای ارتباط بیشتر بچه‌ها. وی افزود: هر دو داستان در مورد آرزو بود. قصه ایرانی، داستان قورباغه‌ای است که آرزوهای مختلفی دارد و در پایان، با آرزوهای مشخص دیگری مواجه می‌شود. قصه هلندی، داستانی فانتزی است در خصوص راز و رمزها و آرزوهای حیوانات که در صندوقچه‌ای نگهداری می‌شوند.

غریب‌پور ادامه می‌دهد: در این زمان کوتاه نمی‌شود آموزش ویژه‌ای ارائه کرد، اما قصد ما این بود که در این زمان کوتاه، ذهنیت بچه‌ها روی کاغذ ریخته شود و فقط سعی کردیم به ذهنیت آن‌ها جهتی بدهیم تا بتوانند آماده‌تر کار را منتقل کنند. وی معتقد است: تنها تفاوتی که بین این بچه‌ها هست، نحوه پیگیری است. بچه‌های هلندی پس از یادگیری پیگیر هستند، ولی بچه‌های ما شاید به دلیل شیطنت، یادگیری‌شان کوتاه‌مدت است. وی در خصوص رنگ‌هایی که بچه‌ها به کار گرفته‌اند، می‌گوید:

تقریباً بچه‌های هلندی رنگ‌های درخشان به کار نمی‌برند و حتی در آثار نقاشان و بزرگان‌شان هم رنگ‌ها به صورت پخته و تاریک به کار برده می‌شود و رنگ‌های درخشان که در کار بچه‌های ایرانی دیده می‌شود، کم‌تر در آثارشان به چشم می‌خورد. بچه‌های ما سریع‌تر می‌توانند انرژی‌شان را تخلیه کنند. در حالی که درون‌گرایی بچه‌های هلندی، باعث می‌شود که به رنگ‌های پخته‌تر و تاریک روی بیاورند.

شرق ۷۳۳ - ۱۳۸۵/۱/۲۲

م. آزاد، شاعری از عصر زرین شعر؛ به یاد محمود
مشرف آزاد تهرانی
مجید نفیسی

م. آزاد، یکی از شاعران برجسته عصر زرین شعر ما بود. او حتی پیش از آن که دو مجموعه «قصیده بلند باد» و «بهار زایب آهو» را منتشر کند، شاعری صاحب سبک شمرده می‌شد و از طریق چاپ شعرهایش در مجله آرش، بر شعر ما تأثیری محسوس داشت. نخستین مشخصه شعر م. آزاد را سبک «تغزلی» یا به عبارت روشن‌تر «زمزمه‌گر» او باید دانست؛ به این معنا که شعر او را می‌توان زیر لب خواند یا به آواز درآورد. بیهوده نیست که برخی شعرهای او را محمدرضا شجریان و دیگران به آواز خوانده‌اند. البته زمزمه‌های او خالی از عاشقانگی نیست. شعرهای او خلاف شعر شعرای دیگر، به طور طبیعی شکل زمزمه دارد و سراسر شعر از بندهای بریده بریده‌ای تشکیل شده که شاعر بی‌گمان در حین سرودن، آن‌ها را با خود زمزمه می‌کرده و چون ترانه با تصنیفی بدان‌ها گوش می‌داده است. شعرهای او شعرهای روایی نیست؛ به این معنا که به حکایت جزئیات داستانی نمی‌پردازد؛ بلکه در لحظه تمام می‌شود و محصول بی‌تابی آنی شاعر است.

سبک تغزلی شعر م. آزاد، در عین حال که به اثر او لطافت و توازن می‌بخشد، آن را با دو عارضه نیز روبه‌رو می‌کند؛ یکی بریده بریده بودن شعر و قطع ناگهانی آن که شعر را به زمزمه‌ای ناتمام مبدل می‌کند و گاهی شاعر می‌کوشد با آوردن بندی در پایان شعر، به این بریدگی انسجام بخشد و عارضه دوم، عبارت پردازی است. شاعر مجبور است برای حفظ توازن در زمزمه‌های خود، به حشو و آوردن واژه‌های اضافی تن در دهد.

دومین مشخصه شعر م. آزاد، تصویرگرا بودن آن است. روی آوردن به تصویر، اجازه می‌دهد که شاعر از «حرفی شدن» شعر بکاهد و به «بیجا و فشرده‌گی» کلام برسد. با این حال، شعر تصویرگری او همیشه همراه پیامی است. مثلاً استفاده از «تیلوفر»، یک درونمایه پایدار است که بدون شک مضمونی عرفانی و بودایی دارد.

م. آزاد، شاعر شهری است و با وجود این در شعرش عناصر طبیعی چون پرنده، شکوفه، باد، باران، رود، آتش، ماه، خورشید و نیلوفر به کرات دیده می‌شود. نکته جالب این است که این موجودات طبیعی در شعر او، هیچ یک جاندار و پویا نیستند و مثل تصاویر در نقاشی اسلیمی، بی‌جان هستند و تنها ارزش تمثیلی دارند. در نقاشی اسلیمی، مربع نشانه‌ای از چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش است و دایره تمثیلی از بی‌نهایت بودن زمان. در شعرهای م. آزاد نیز عناصر طبیعی ارزش نمادین دارند و کنش و واکنش میان آن‌ها ذهنی و مجرد است، نه عینی و مشخص.

شرق ۷۵۸، ۷۶۰ - ۱۳۸۵/۰۲/۲۳ - ۱۳۸۵/۲/۲۵

نگاهی به ادبیات کودک و نوجوان در سالی که گذشت: جریانی نه چندان موفق
محمد جواد جزینی



در نگاهی کلی، بنابر آمار مراجع رسمی، در هفت ماه نخست سال ۱۳۸۴، چهار هزار و چهل و هشت عنوان کتاب کودک و نوجوان منتشر شده است. در حالی که در همین مدت در سال ۱۳۸۳، دو هزار و یک صد و پنجاه و شش عنوان کتاب منتشر شده است که این آمار، رشدی ۸/۷۵ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۸۳، از دو هزار و پنجاه و شش عنوان، تنها یک هزار و شصت و پنج عنوان چاپ اول بوده، اما آمارها نشان می‌دهد در سال ۸۴ این عدد به یک هزار و پانصد و سی و سه عنوان چاپ اول رسیده است که از رشد ۲۱/۱۸ درصد نشان دارد. در حوزه کتاب‌های ترجمه شده برای کودکان و نوجوان در سال ۸۳، از تعداد کل کتاب‌های این سال (۲۱۰۶ عنوان)، نهمصد و پنجاه و شش عنوان ترجمه بوده است. اما در سال ۸۴، از تعداد کل کتاب‌های چاپ شده سال (۴۰۴۸ عنوان)، یک هزار و نود و هشت عنوان ترجمه بوده است. به عبارت روشن‌تر ۱۴/۸۵ درصد کتاب‌های چاپ شده در این سال، کتاب‌های ترجمه بوده است.

اگرچه آمارها از رشد ۸۷ درصدی کتاب کودک و نوجوان حکایت دارد، رشد ۱۴ درصد ترجمه نسبت به سال قبل، گویای کم‌رغبتی ناشران به تألیف است. در حالی که در سال ۸۳، از تعداد کل کتاب‌های چاپ شده (۲۱۵۶ عنوان)، یک هزار و دویست و شصت و پنج عنوان چاپ اول بود. به عبارتی، ۵۸/۶۵ درصد کتاب‌های چاپ اول بوده که در سال ۸۴، این درصد به پایین‌ترین حد خود رسیده است.

در سال ۸۴، از تعداد کل (۴۰۴۸ عنوان) کتاب چاپ شده، یک هزار و پانصد و سی و سه عنوان چاپ اول بوده است؛ یعنی ۲/۸۸ درصد. این آمار از تمایل ناشران به تجدید چاپ کتاب نشان دارد. این در حالی است که سیاست‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییری نکرده است. کم‌تیراژترین کتاب در سال ۸۴ کتاب «ملکه ویکتوریا»، نوشته محمد جواد کاس‌نژاد بود با تیراژ تنها صد نسخه و بیش‌ترین تیراژ، از آن کتابی با عنوان فارسی تکمیلی (کمک آموزشی)، نوشته غلامعلی آریا، با تیراژ چهل و پنج هزار نسخه.

هم‌چنین، پرکارترین نویسنده سال ناصر کشاورز، با ۴۹ عنوان کتاب چاپی (شامل چاپ اول و چندم) بوده است. فعال‌ترین ناشر دولتی، کانون پرورش فکری و کودکان و نوجوان و فعال‌ترین ناشر خصوصی، نشر شبابویز با فعالیت‌های گسترده برون مرزی و گسترش فعالیت‌های جانبی نشر بود.

ایران ۳۲۵۶ - ۱۳۸۵/۲/۹

راهی به جامعه جست و جوگر: تدوین نخستین کتاب مرجع کودکان و نوجوانان در قالب فرهنگنامه ۲۶ جلدی
مهری حقانی



کتاب‌های مرجع و از جمله دایرةالمعارف‌ها یا فرهنگنامه‌ها، در کشور ما بیش‌تر ترجمه هستند. برخی نیز به نوعی از روش گردآوری و کنار هم چیدن اطلاعات پیروی می‌کنند و کار آن‌ها چندان بنیادی نیست. شمار اندکی نیز تألیفی هستند. تولید آن دسته از کتاب‌های مرجع که ترجمه هستند، مانند دایرةالمعارف آکسفورد برای کودکان یا مجموعه‌هایی که با نام دانشنامه‌های موضوعی ترجمه می‌شوند، به زحمت چندان نیاز ندارد. بهترین این آثار، بیش‌تر به نیازهای کودکان و نوجوانان

کشور مؤلف پاسخ می‌دهند. کتاب‌های مرجع که روش گردآوری و کنار هم چیدن را به کار می‌گیرند، بر اساس مدارک و اسناد پیش می‌روند و نویسنده مسئولیتی در مورد اطلاعات به دست آمده، به عهده نمی‌گیرد. در حالی که در دانشنامه‌های تألیفی، هر مقاله باید حاصل جست‌وجویی در اسناد معتبر و آخرین دستاوردهای علمی مربوط به آن باشد. روش تألیف در فرهنگنامه، مطالعه عمیق برای تسلط بر موضوع و تفکر بسیار برای انتخاب آگاهی‌های مورد نیاز پرسشگر جوان، مثال‌های قابل درک و نوشتن به زبان ساده و قابل درک است. این گونه مرجع‌نویسی، در کشور ما تا به حال بسیار کم بوده است. بنابراین، ارزش محتوایی چنین جست‌وجویی، ارزش اصلی کتاب‌های مرجع را مشخص می‌کند. نوش‌آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب و عضو شورای اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، در مورد آثار مرجع می‌گوید: مسئله‌ای که کم‌تر در ایران بدان توجه شده، منحصر به فرد بودن و ارزش آثار مرجع و متفاوت بودن آن‌ها از تمام آثار دیگر است. این که چرا فرهنگ دایرة المعارف در کشور با ما جا نيفتاده، به فرهنگ و این که اطلاعات محور زندگی و حیات اجتماعی ما نیست، برمی‌گردد.

خانم توران میرهادی، دبیر اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، با اشاره به سابقه دایرة المعارف در حوزه بزرگسالان در ایران می‌گوید: در حوزه بزرگسالان دایرة المعارف مصاحب، سعید نفیسی، ایرانشهر، دهخدا، معین و ... وجود دارند. این که ضرورت حرکتی در حوزه کودکان، به عنوان جامعه‌ای که نیاز به اطلاعات صحیح دارد، پیدا شده، نشانگر رشد است. در کشورهایی که روزی روزگاری به شکلی زیر سلطه استعمار بودند، مردم این سرزمین‌ها آن چه را خود دارند، به درستی نمی‌شناسند و با هنر، ادبیات و فرهنگ بومی آشنایی کمی دارند و به همین علت، مسئله‌ای به نام هویت طرح می‌شود. ما به این نتیجه رسیدیم که با یک اثر ترجمه نمی‌توان پاسخگوی نیاز نسل جوان بود. آخرین آمار از تعداد مقالات فرهنگنامه، به بیش از ۶ هزار مقاله و بیش‌تر از ۲ هزار مقاله در مورد ایران برمی‌گردد. با وجود این که این یک دایرة المعارف عمومی است و در مورد همه رشته‌ها مطلب دارد، ولی یک سوم مقالات در مورد ایران است و این به دلیل شناختی است که بچه‌های این سرزمین باید از میراث کشور خودشان داشته باشند و همین نکته نیز فرهنگنامه را به یک کار سنگین و پژوهشی دقیق تبدیل کرده است.

شرق ۷۶۴ - ۱۳۸۵/۲/۳۰

از کودکی فقط حسی نوستالژیک مانده؛ گفت‌وگو
با پرناز نیری، داور جایزه هانس کریستیان
آندرسن
نلی محجوب

تصویری

پرناز نیری، از اعضای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و شورای کتاب کودک، در سال ۲۰۰۶ میلادی، به عنوان داور از ایران، برای داورى جایزه بزرگ هانس کریستیان آندرسن انتخاب شد. در این مورد، گفت‌وگویی با وی شده که به نکاتی از آن اشاره می‌شود.

وی درباره شیوه و وضعیت داوری می‌گوید: دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)، در حال حاضر در ۷۰ کشور شعبه دارد و این جایزه را از سال ۱۹۵۶، هر دو سال یکبار، به یک نویسنده و از سال ۱۹۶۶، به یک تصویرگر کتاب کودک اهدا می‌کند. با این که جایزه آن فقط دیپلم افتخار و یک منال طلاست، از چنان اعتباری جهانی برخوردار است که حتی کاندیدا یا نامزد شدن برای دریافت این جایزه هم برای هر نویسنده و تصویرگری در هر نقطه از دنیا، موفقیت و افتخار بزرگی است. این جایزه به مجموعه آثار یک نویسنده یا تصویرگر داده می‌شود و بنابراین، اصولاً فرد برنده نمی‌تواند خیلی هم جوان باشد. در واقع، کسی برنده می‌شود که آثارش در طول زمان، در پیشبرد ادبیات کودکان و نوجوانان، نقش مهم و پایداری داشته باشد. من در سال ۲۰۰۶، به عنوان داور از ایران انتخاب شدم. پست حدود ۴۰۰ کتاب و ۵۱ پرونده، از ۲۶ نویسنده و ۲۵ تصویرگر را به دستم برساند (۴۰۰ کتاب به ۲۱ زبان مختلف). در دور اول داوری، باید از فهرست ۱۰ نفر را انتخاب می‌کردیم و به ترتیب اولویت، به آن‌ها نمره می‌دادیم. مسئله انتخاب بهترین‌ها از میان بهترین‌ها بود. جلسات داوری، در ۲۴ و ۲۵ مارس ۲۰۰۶، در فلورانس ایتالیا تشکیل شد. آن چه من در این داوری انجام دادم، سنجش کیفیت آثار به لحاظ ساختاری، روند کاری، میزان تأثیرگذاری هر فرد و بعد مقایسه آثار آن فرد با سایر کاندیدای آن رشته بود. مسئله دیگر جهان بینی آن فرد در وهله اول، بعد نگاهش به کودک و کودکی و دیگر داشتن آثار با کیفیتی که خود رویت داستان به صورت متن یا تصویر بتواند نظر خواننده را جلب و آن ارتباطی را که باید با مخاطبانش که کودکان و نوجوانان سرزمینش و احتمالاً کودکان سرزمین‌های دیگر است، برقرار کند و به تعبیری

علاقی و توجه او را به زیبایی‌های زندگی جلب کند، به حس کنجکاوی‌اش پاسخ دهد، جنبه تفریحی داشته باشد، دارای پیامی انسانی و صلح‌طلبانه باشد، بتواند با کودک ارتباط برقرار کند و به نیازهای او پاسخ دهد. همچنین، در ضمن تربیت تخیل و خلاقیت او، واقعیت‌های ملموس و روزمره زندگی و مشکلات فراروی او را فراموش نکند و در عین حال ایدئولوژیک نباشد. توجه جدی به «ادبیات کودک» در ایران، به جدی گرفتن ماهیت و شخصیت کودک و توجه به موجودیت او مربوط می‌شود. یکی از شخصیت‌هایی که به مساعد بودن تقریبی و نسبی چنین شرایطی پی برده، زنده‌یاد جبار باغچه‌بان بود. او پایه‌گذار کودکان در ایران و از نخستین نویسندگان جدی و آگاه ادبیات کودکان است. بعد از او، می‌توان به صمد بهرنگی اشاره کرد. او با وجود عمر کوتاهش، چنان تأثیری بر ادبیات کودکان گذاشت که در تاریخ ادبی ایران بی سابقه است. پس از وی، نوشته‌های احمد شاملو برای کودکان مورد استقبال قرار گرفت و نیز از نوشته‌های صمیمانه مهدخت کشکولی می‌توان نام برد.

صمد بهرنگی، آغازگر دوره تازه‌ای از ادبیات کودک و نوجوان بود. او سازنده و آفریننده بود و به ادبیات کودک استقلال، رسمیت و هویت بخشید. نوشتن برای کودک در نظر او، یک هدف اجتماعی بود. پیش از او، ادبیات کودک و نوجوان ایران، دارای پشتوانه نظری نبود. او این بنیاد نظری را بنا نهاد و معیارهای تازه‌ای برای این نوع ادبی فراهم کرد. نظریات و معیارهای او، وضعیت ادبیات کودک و نوجوان را از بیخ و بن دگرگون کرد. این دگرگونی باعث رشد ادبیات شد. صمد بهرنگی، به واقعیت‌های اجتماعی در داستان‌هایش توجه داشت و آثار وی، مورد توجه کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان قرار گرفت. ماهی سیاه کوچولو، شناخته شده‌ترین اثر ادبی او برای نوجوانان است.

شرق ۱۳۸۵/۲/۳-۷۴۶

دیدار با نویسنده در کودکی ما؛ گفت‌وگو با
مسعود نصری، مدرس دانشگاه و منتقد ادبی
نلی محبوب

گفت‌وگو

محمود نصری، مسئول گروه نقد شورای کتاب کودک، در مورد وضعیت نقد ادبیات کودک و نوجوان ایران می‌گوید: نقد در حوزه ادبیات کودکان، جدا از جریان نقد ادبی بزرگسال نبوده است. از زمان پیدایش اولین آثار

توانایی گذر از مرزها و جهانی شدن را داشته باشد.

نیری در مورد انتخاب داوران توضیح می‌دهد: این داوران از طرف شعبه ملی IBY انتخاب و به همراه شرح احوال کاری آن‌ها، به دفتر مرکزی معرفی و پیشنهاد می‌شوند. کمیته اجرایی دفتر، در مورد ترکیب هیأت داوران، اصولاً طبق ضوابط خودشان تصمیم‌گیری خواهند کرد. از ایران، خانم توران میرهادی (چهار دوره)، خانم ثریا قزل ایاغ (یک دوره)، خانم منصوره راعی (دو دوره) و خانم زهره قایینی (دو دوره) و من عضو ایرانی هیأت داوران بوده‌ام. ویژگی انتخاب داوران به این گونه است که افرادی با سوابق کاری متعدد و متنوع و از کشورهای مختلف هستند. در انتخاب آن‌ها سعی شده که حوزه جغرافیایی بیش‌تری را پوشش دهند. بعضی از داوران در حوزه متن و بعضی دیگر در حوزه تصویر تسلط بیش‌تری دارند. در این دوره داورانی از اسلوانی، آفریقای جنوبی، ایتالیا، فنلاند، روسیه، نیوزیلند، ایران، فرانسه، ونزوئلا، اسپانیا، آمریکا و ژاپن بودند.

وی در مورد ویژگی آثار برگزیده این دوره می‌گوید: هیأت داوران در اعطای مدال تألیف جایزه آندرسن ۲۰۰۶ به خانم مارگرت ماهی، از نیوزیلند، او را نوآورترین خالق درباره زبان در دنیا شناخته است. زبان ادبی ماهی، از ایماژها یا تصویرپردازی‌های شاعرانه، جادو و عناصر ماوراء الطبیعه سرشار است. هیأت داوران در اعطای مدال تصویر جایزه آندرسن ۲۰۰۶ به آقای ولف اول بروخ، از آلمان، او را یکی از بزرگ‌ترین نوآوران و تجربه‌گرایان کتاب‌های تصویری کودک نوجوانان این عصر شناخته است. او همان قدر در ارجاع و ترکیب سبک‌های هنری قرن‌های ۱۹ و ۲۰ کشورش تبحر دارد که در ابداع شیوه‌های نو برای برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان سنین مختلف. هر چند تصویرگری او گاه ساده و گاه پیچیده است، همیشه بازیگوشی، طنز و فلسفی بودن خود را حفظ می‌کند.

شرق ۱۳۸۵/۲/۳-۷۴۱

قصه‌های آن سال‌ها از این ولایت؛ گفت‌وگو با علی
اشرف درویشیان، نویسنده
کبوتر ارشدی

گفت‌وگو

علی اشرف درویشیان، درباره ادبیات کودک و پیشینه آن در ایران می‌گوید: ادبیات کودکان، آن نوع نوشته‌هایی است که به رشد و شکوفایی و بالندگی کودک کمک کند، او را برای رویارویی با مشکلات دوران بزرگسالی آماده سازد،

ادبی، چه در حوزه تألیف و یا ترجمه همواره معرفی‌ها، بررسی‌ها و ارزیابی‌هایی پیرامون آن صورت می‌گرفته است. در دهه‌های ۲۰ و ۳۰، ناشران معرفی‌هایی از آثار ادبی کودک و نوجوان، در نشریات مختلف ارائه می‌دادند. این معرفی‌ها بر محور ارتباط موضوع با نیازهای کودک و نوجوان صورت می‌گرفته و ویژگی‌های کودک و نوجوان در این معرفی‌ها لحاظ می‌شده است. به تدریج معیارهایی برای سنجش ادبیات به وجود آمد و با گسترش دیدگاه‌های تربیتی و روان‌شناختی، این بررسی‌ها رنگ و بوی روان‌شناختی به خود گرفت. در دهه چهل، با پیدایش نهادهایی چون شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، این معیارها کامل شد؛ به طوری که پس از بررسی ادبیات منتشر شده، فهرستی از ادبیات مناسب به جامعه توصیه می‌شد و هنوز هم این کار ادامه دارد. در دهه پنجاه نیز با تحولات سیاسی‌ای که در جامعه صورت گرفته، می‌توان از چهره‌هایی مانند صمد بهرنگی و فرخ صادقی نام برد که مطالبی به عنوان نقد، در مطبوعات به چاپ رساندند. متأسفانه پس از انقلاب، در دهه ۶۰ نقد ادبی محملی برای کشمکش‌های اعتقادی و تصفیه حساب‌های سیاسی شد و به طور پراکنده، نقدهای سنتی و ایدئولوژیک باب شد. شاید به طور مشخص، دهه هفتاد را بتوان دوره آموزش و فراگیری و تجربه در حوزه نقد ادبی کودک و نوجوان نامید. مطالعه اصول نقد بزرگسال و تممیم آن به حوزه کودک، در این دهه تجربه شد و برخی از منتقدان جوان، به توان‌آزمایی در این زمینه پرداختند. با پشتوانه‌های نظری در حوزه نقد ساختارگرا، طبیعی بود که این افراد، ساخت گرای را در حوزه کودک و نوجوان تجربه کنند. پیشینه‌های بررسی ساختارگرا موجود بود و می‌توانستند از آن بهره ببرند، ولی در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۸۰، نظریه‌های مختلفی در غرب، در حوزه نقد ادبی وجود داشت؛ به خصوص نقد خواننده محور به چالش کشیده و دوباره به مخاطب کودک و نوجوان و بحث مخاطب‌شناسی توجه شد.

امروزه دیدگاه‌های هرمنوتیکی مدرن، اصالت را به تجربه خواننده می‌دهد؛ به طوری که با ازمیان رفتن اقتدار مؤلف، خواننده است که مطرح می‌شود و به جای شناخت رابطه متن و مؤلف، افق‌ها برای شناخت رابطه متن و خواننده باز می‌شود. پس دغدغه توجه به ویژگی و شناخت و تجربه خواننده از ساختار ادبی، شیوه پردازش ساختار ادبی و ... ارزش و جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص

داده است.

فرایند نقد، فرایندی است که در بستر آزادی شکل می‌گیرد؛ شرایطی که هر یک از افراد حق بیان نظرها، اندیشه‌ها و احساسات خود را داشته باشند. بدون شک در ارتقای وضعیت نقد ادبی، مطبوعات نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند. هم‌چنین، ترجمه و تألیف آثار نظری در حوزه کودک و نوجوان، بر رشد کیفی نقدهای منتشر شده در سال‌های اخیر افزوده است.

ایران ۱۳۸۵/۲/۱۸ - ۳۴۶۵

ادبیات کودکان باید برای کودکان نوشته شود؛

مکتبگو با مصطفی رحماندوست، شاعر و

نویسنده

مهرداد ناظری، روزبه زعفرانی



سابقه قصه کودکان، به طول تاریخ بشر مربوط می‌گردد. در جهان کمتر فرهنگی را می‌توان سراغ گرفت که نگاه ظریف و ژرف به کودکان در آن وجود نداشته باشد. در ایران نیز داستان‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها، لالایی‌ها و اشعار شیرین فراوانی وجود دارد که در طول قرن‌ها سینه به سینه نقل و در گوش کودکان روایت شده، اما نقطه عطف توجه به ادبیات کودک به عنوان یک ژانر مستقل، از دوران مشروطیت آغاز می‌شود. در این دوران، ادبیات کودک دستخوش تحول و برخورد با اندیشه مدرنیته می‌شود. شکل‌گیری مدارس جدید و توجه و تأکید به آموزش مدرن، نظام روابط اجتماعی که کودک را فرمان‌پذیر از والدین تعریف می‌کند، به چالش می‌کشد. از این رو، گرچه می‌توان خاستگاه ادبیات کودک را مبتنی بر لذت بخشی و درک بهتر از زیستن تعریف کرد، اما در عصر جدید این دیدگاه تغییر یافته و آن چه اهمیت پیدا می‌کند، نیازهای کودک و ارتباط او با پدیده‌هاست.

در این خصوص، مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده ادبیات کودک، معتقد است: پدر و مادرها هر وقت می‌خواستند با بچه‌هایشان حرف بزنند، لحن‌شان را شیرین‌تر و جذاب‌تر می‌کردند. این همان ادبیات کودک است که حالا شفاف‌تر شده. ما نباید کتاب‌های دوران قدیم را با موقعیت فعلی بسنجیم؛ چرا که هر چیزی را باید در مکان و زمان خود بررسی کرد. ادبیات کودکان را می‌توان به حوزه‌های متفاوتی مثل ادبیات آموزشی کودک، ادبیات گسترش دهنده خیال

و ... تقسیم کرد که هر کدام از این حوزه‌ها، بیان خاصی می‌طلبید. کودکان قدرت و گستره خیال وسیعی دارند، ولی مبنای این خیال، تجربه واقعی آن‌هاست. ادبیات فرهنگ ساز، آن ادبیاتی است که می‌داند به مخاطبش چه بگوید و چگونه مخاطبش را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر ببرد. این ادبیات، شیوه و نحوه بیان این هدف را به درستی انتخاب می‌کند. از دید این شاعر و نویسنده، تا زمانی که سیستم آموزش و پرورش اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار داشت که ادبیات کودک، جایی در سیستم آموزش و پرورش پیدا کند. الان آموزش و پرورش برای خودش کار می‌کند و ادبیات کودک هم برای خودش. الان استنباط آموزش و پرورش ما از ادبیات کودک، همان استنباط پنجاه سال پیش است که می‌گوید: ادبیات کودک، باید پیامی داشته و آموزنده باشد. این آموزندگی هم به این معنی است که بزرگسالان را ارضا کند، نه بچه‌ها را. در حالی که ادبیات کودک می‌تواند یک سرگرمی، یک خیال و در عین حال به صورت غیرمستقیم آموزنده باشد.

همشهری ۳۹۹۹ - ۱۳۸۵/۳/۱۰

ستاره یا سنگپاره در کف کودک؛ گزارش

آسیب‌شناسی شعر دانش آموزی

سمیه رشیدی



کانون ادبیات ایران، در ادامه نشست‌های هفتگی خود، به بررسی شعر دانش‌آموزی، موفقیت گذشته و حال آن و آسیب‌شناسی آن پرداخت. در این نشست، چهار تن از فعالان این حوزه، یعنی جواد محقق، سودابه امینی (شاعر)، مهدی طهوری و فرزانه قلعه قوند (معلم و شاعر) حضور داشتند. یکی از موضوعاتی که در این جلسه به آن پرداخته شد، تفاوت‌های بین فضای شعر دانش‌آموزی گذشته و حال بود. سخنرانان معتقد بودند در این میان، اتفاقاتی افتاده که موجب تغییر در فضای شعر دانش‌آموزی شده و این تغییرات، به تمایل دانش‌آموزان به شعرهای نو و فاصله گرفتن آن‌ها از شعر کلاسیک منجر شده است. سودابه امینی، یکی از دلایل گرایش افراطی دانش‌آموزان به نوگرایی را فقر مطالعاتی عنوان می‌کند و علت دیگر را هراس از شعر کلاسیک می‌داند. جواد محقق معتقد است یکی از علل توجه به شعر کلاسیک در دوره‌های اول شعر دانش‌آموزی، رویکرد به سنت‌ها در زمان پیروزی انقلاب اسلامی است. وی آشنایی با شعر کلاسیک را برای شاعران ضروری می‌شمارد. او

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر دانش‌آموزی را «جوانمرگی» معرفی می‌کند و می‌گوید: یکی از معضلاتی که امروزه وجود دارد، این است که فعالیت بچه‌های برگزیده دوره‌های آموزشی، بعد از گذشت زمان، کم‌رنگ شده یا کارشان افت می‌کند. این وضعیت به چند عامل مربوط است؛ یکی غرور جوانان در این سن است و دیگر تغییر شرایط شغلی و زندگی و شاید دلیل دیگر این باشد که بعضی از خانم‌ها بعد از ازدواج، استقلال کم‌تری برای حضور در این جلسات پیدا می‌کنند. سودابه امینی، شناخت ناکافی دانش‌آموزان از شعر را زمینه ایجاد آثار نثر و عرضه آن‌ها به عنوان شعر می‌کند. مهدی طهوری، راه حل آموزش نقد شعر به دانش‌آموزان را برگزاری شب شعر و کارگاه‌های شعر دانش‌آموزی می‌داند. او می‌گوید: مدارس می‌توانند با برگزاری شب شعر و محفل‌های ادبی، فضایی ایجاد کنند تا دانش‌آموزان در آن‌جا آثار خود را ارائه دهند. در این‌جا هدف نقد نیست، بلکه همین اندازه که آثارشان را بخوانند و از محدوده خودشان عبور دهند تا دیگران بشنوند، کافی خواهد بود. بعد از آن، خود دانش‌آموزان در مورد آثار یکدیگر بحث و مناظره خواهند کرد و کم‌کم فضای نقد بین آن‌ها حاکم خواهد شد. فرزانه قلمه‌قوند نیز در این باره می‌گوید: مسئله این است که ما مهارت نقد کردن را نمی‌آموزیم. مدارس باید علاوه بر علوم و ریاضی و ... مهارت‌های زندگی و از جمله نقد را آموزش دهند. اما متأسفانه هیچ وقت و در هیچ مقطعی نمی‌بینیم که مهارت سخن گفتن، مشاهده کردن و دقت، به طرز رسمی به دانش‌آموزان آموخته شود.

در این حالت، اگر رک و مستقیم با دانش‌آموزان در مورد شعرشان حرف بزنیم، فقط آن‌ها را دلسرد کرده‌ایم؛ به خصوص که ما همیشه از همان ابتدا شروع به ایراد گرفتن از قافیه و وزن و ... می‌کنیم و این کار نتیجه‌ای جز گریزان شدن دانش‌آموزان از نقد به دنبال نخواهد داشت.

شرق ۷۸۱ - ۱۳۸۵/۳/۲۲

پنج روز در نیمروز با شاعری قصه‌پرداز؛

گفت‌وگو با محمد کاظم مزینانی، شاعر و نویسنده

نلی محجوب



محمد کاظم مزینانی، فعالیت خود را در حوزه ادبیات، با شعر و در کیهان بچه‌ها آغاز کرد. او از جمله نویسندگان فعال نسل دوم نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان محسوب می‌شود که در سروده‌های مذهبی نیز

جایگاهی خاص دارد. وی در اشعار خود، از انواع قالب‌ها و ساختارهای شعری بهره گرفته و زبان داستان‌هایش ساده و در خور مخاطبان کودک است تا به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. مزینانی تاکنون موفق به دریافت دیپلم افتخار و کتاب سال سروش نوجوان و جایزه IBBY شده است. با او درباره ادبیات، شعر و داستان کودک گفت‌وگویی شده که به نکاتی از آن اشاره می‌شود.

مزینانی می‌گوید: چیزی که ادبیات کودک را از ادبیات به معنای عام جدا می‌سازد، این است که ادبیات کودک و نوجوان، به شدت کارکردی است. اصلاً عامل اولیه آفرینش و چاپ و انتشارش، به اقتضای مخاطب است. در ادبیات عام، نویسنده تنها برای دل خودش می‌نویسد و بعد اگر دلش خواست و توانست، اثرش را به چاپ می‌رساند. در حالی که نویسنده کودک و نوجوان در همه مراحل کار باید مخاطب را در نظر داشته باشد. از این نظر، شعر و داستان هر دو ابزاری هستند برای انتقال حس و اندیشه و شاعر یا نویسنده به مخاطب. رمز شعر و داستان در ادبیات کودک، بسیار به هم نزدیک است، اما بهره‌گیری موفق از آن‌ها، برمی‌گردد به میزان تخصص و تجربه نویسنده. شعر و کلا روند آفرینش هنری و ادبی، طبیعتاً باید از اقتضات و منطق درونی خودش پیروی کند و به صورتی استثنایی در چرخه سفارش، شعری واقعی تولید می‌شود.

جام جم ۱۳۸۵/۳/۱۰ - ۱۳۸۱

متن و تصویر دوبال یک پرواز: تصویر و

تصویرگری کتاب، در گفت‌وگو با محمد علی بنی

اسدی

مریم جلالی

تصویر

تصویر و متن، دو یار قدیمی‌اند که پایه‌پای هم، آفریننده یار مهربان کتابند. محمد علی بنی اسدی، از تصویرگران به نام کتاب کودک در مورد تصویرگری، نظر خود را چنین بیان کرده است:

تصویرسازی از رشد سطح تربیتی و فرهنگی، نقشی با اهمیت دارد. در دنیا، کتاب‌های بسیاری وجود دارند که ارزش متن ادبی آن‌ها گاهی حتی به صفر می‌رسد و تنها تصویرگری است که به کمک ما می‌آید البته وقتی چرخه نشر و اقتصاد آن فعال نیست، هیچ ارتقایی حاصل نخواهد شد. در حال حاضر، جامعه پر شده از سی‌دی‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و امکانات این چنینی و عملاً به کتاب

و کتاب‌خوانی همانند گذشته پرداخته نمی‌شود. به نظر می‌رسد رشته تصویرگری، کم‌کم به سمت صوری شدن می‌رود و با این که این رشته در دانشگاه تدریس می‌شود، اما عملاً در بازار، کار و شغلی برای این دانشجویان وجود ندارد. مسئله مهمی که پیش از پرداختن به هنر باید به آن توجه شود، تربیت انسان برای دیدن و درک هنر و ساختن هنر است که می‌بایست راجع به آن فکر کرد. بی‌توجهی به این موضوع، در بلند مدت منجر به درهم ریختن و شکست هنرهای جامعه خواهد شد و هنر دوست و هنرمندی تربیت نمی‌شود و همه چیز به اعماق سطحی‌نگری سقوط می‌کند. هر رسانه، مدیوم خاص خود را دارد. در تصویرسازی، تصویر به کمک متن می‌آید و قسمت‌هایی را که ممکن است ادبیات قادر به پردازش آن نباشد یا نویسنده از نوشتن آن صرف‌نظر کرده است، با زبان بصری بیان کند و این همکاری بین نویسنده و تصویرگراست که به مجموعه‌ای به نام کتاب منجر می‌شود. پیوند این تصویرگر و نویسنده، بسیار بااهمیت است، ولی مهم‌تر از آن فردی است به نام کتاب ساز که مشخص می‌کند کتاب برای چه مخاطبی، در چه گروه سنی، در چه دوره‌ای و در چه قطع و اندازه‌ای باید به چاپ برسد و چه تصویر و تصویرگری برای این کتاب مناسب است. البته ما در ایران، فردی به نام کتاب ساز نداریم و تصویرگر و نویسنده، دو وجه این ماجرا هستند که همدیگر را تکمیل می‌کنند. گاهی تصویرگری در اولویت است و گاهی برعکس. گاهی نویسنده از جمله‌های کوتاه استفاده می‌کند: «همه حیوانات جنگل دور هم جمع شدند» و این‌جا سنگینی کار به دوش تصویرگراست که تمامی حیوانات جنگل را در یک صفحه جمع کند. در این‌جا کتاب ساز است که با توجه به شناخت همه‌جانبه‌اش، تضمین می‌کند که هر کتابی با چه ویژگی‌ها و با چه حد و میزانی از تصویرگری و متن باید به چاپ برسد.

کتاب هفته ۶۷۷ - ۱۳۸۵/۱/۲۶

صفحه خالی است: درباره نمایش‌نامه‌نویسی

برای کودکان (۱)

زهره نیلی

داستان‌نویسی کودکان، سال‌هاست که در مرکزی خاص متمرکز شده، اما ادبیات نمایشی کودک، هیچ‌گاه زمینه بروز نیافته است و کسی پاسخگوی دقیق و درست این

معضل نیست.

مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، به عنوان متولی اصلی این جریان، بودجه‌های اندک و تنها دو سالن غیراستاندارد را به این امر مهم اختصاص داده و روشن است تا نمایشی به اجرا درنیامده، نویسنده‌ای به نوشتن تشویق نمی‌شود.

عادل بزوده که از بنیان‌گذاران تئاتر کودک در ایران است، در این زمینه می‌گوید: مشکلی که سال‌هاست با آن درگیریم، این است که هرگز به طور بنیادین با نمایش‌نامه‌نویسی برخورد نکرده و هیچ نهادی برای شکل دادن تئاتر کودک پدید نیاورده‌ایم تا ما را به ساختار تعریف شده جهانی برساند. کسانی که در زمینه کودک کار می‌کنند، باید با حال و هوای دنیای کودکان و ادبیات آشنا باشند و به طور جدی و حرفه‌ای به نمایش‌نامه‌نویسی بپردازند، نه این که هر زمان دل‌شان خواست و در ذهن‌شان جرقه‌ای زده شد، به این کار رو بیاورند. اگر این کار دغدغه نویستدگان باشد، غیرممکن است یا از این عرصه بیرون بگذارند؛ هر چند استمرار در این زمینه به کشف آهنگین نیاز دارد تا با آن بتوان یک دوره گذار تاریخی را پشت سر گذاشت.

کتاب هفته ۶۷۸ - ۱۳۸۵/۲/۲

صید در پی صید: درباره نمایش‌نامه نویسی

برای کودکان (۲)

زهره نیلی

بعضی پژوهشگران کودک، معتقدند که باید کودکان را با ادبیات کلاسیک و پیشینه فرهنگی این مرز و بوم آشنا کرد و به بازآفرینی داستان‌های شاهنامه، مثنوی و ... پرداخت. گروهی دیگر نیز برآنند که این گونه داستان‌ها، کودک امروز را که با ماهواره، اینترنت و انواع رسانه‌های صوتی و تصویری جدید روبه‌روست، جذب نمی‌کند. از گروه اول، می‌توان به منصور خلیج اشاره کرد. او معتقد است کودکان ما به سبب عدم حمایت دولت و مسئولان فرهنگی، بیش‌تر مقهور مرد عنکبوتی و انواع سی‌دی‌های هری پاتر و ارباب حلقه‌ها شده‌اند و هر کول را بهتر از رستم می‌شناسند؛ چرا که گریبان سرمایه‌گذاری کرده و به تدریج اندیشه و فرهنگ خود پرداخته‌اند.

آزاده انصاری نیز بر این است که باید به بازنگری افسانه‌های کهن پرداخت و کودک را با اسطوره‌های ایرانی

آشنا کرد. انصاری از سیاست آموزش و پرورش، در زمینه معرفی ادبیات به کودکان، خرده می‌گیرد: در مدارس به موضوعاتی پرداخته می‌شود که هیچ ربطی به ادبیات کهن ایران ندارد و جای تأسف است که کودک ایرانی، سیندرلا را می‌شناسد، اما با ماه پیشونی که همان سیندرلای ایرانی و قدیمی‌تر از آن است، آشنا نیست. در این میان، شاید نادر برهانی مرند را بتوان در گروه دوم جای داد. او می‌پرسد: یکی از بحث‌های اساسی روزگار ما، این است که چگونه می‌توان کودکی را که به اینترنت دسترسی دارد و قصه‌های جذاب والت دیسنی را می‌بیند، با آن همه تنوع و رنگارنگی، با کلیله و دمنه آشنا کرد؟ کارگردان تئاتر عروسکی «کورواغلی»، از ورود به یک مصاف نابرابر سخن می‌گوید. آشنایی کودکان با ادبیات کلاسیک و سرمایه‌گذاری در این زمینه، بر عهده سیاست‌گذاران فرهنگی و آموزش و پرورش است. سیستم آموزشی ما عقیم است و اگر کاری اساسی در این زمینه انجام نشود، در آینده‌ای نزدیک به مشکل برمی‌خوریم و از قافله عقب می‌مانیم.

ادبیات داستانی، شماره ۱۰۰، بهار ۱۳۸۵

داستان‌ها و افسانه‌های تاریخی مذهبی برای

کودکان و نوجوانان (قسمت آخر)

رضارنگر

با همه آن‌چه درباره عقلانی و استدلالی بودن اسلام و مطابقت اغلب احکام و موضوع‌های مطرح شده در آن، با علوم واقعی و قابل اعتماد گفته می‌شود، اولین آشنایی و ارتباط اکثر مردم با دین و جذب آنان به آن، از راه دل و مبتنی بر عاطفه و محبت است. هم‌چنان که به طور کلی، ارزش‌ها و مسائل ارزشی، ابتدا اغلب از طریق تجارب حسی و عاطفی در وجود انسان نفوذ می‌کنند و جای‌گیر می‌شوند و به صورت یک اعتقاد درونی درمی‌آیند و سپس به مرور زمان و طی تجارب جدیدی که شخص کسب می‌کند، از پشتوانه‌های استدلالی و عقلی لازم هم برخوردار می‌شوند.

این موضوع، در مورد کودکان و نوجوانان که دارای قلبی پاک‌تر و رقیق‌تر و سرشتی الهی‌تر و دست‌نخورده‌تر و در مجموع، بیش‌تر موجوداتی عاطفی تا عقلی‌اند، به شکل مضاعف صادق است. به تعبیر دیگر، انسان‌ها به ویژه در سنین پایین‌تر، بیش‌احساسی‌اند تا عقلی و استدلالی. آنان در روابط اجتماعی خود و ضمن برخورد با دیگران، آن‌چه

را که خوشایند طبعشان قرار می‌گیرد، جذب می‌کنند و آگاهانه یا ناخودآگاه، از آن‌ها متأثر می‌شوند. پرواضح است که هر چه فطرتشان پاک‌تر باقی مانده باشد، بیش‌تر جذب پاک‌ی‌ها و نیکی‌ها و ارزش‌های والا می‌شوند. مذهب و شخصیت‌های مذهبی، از جمله مقوله‌هایی هستند که هر گاه بی‌خداشه و پیرایه و ملاحظات عمدتاً غلط ناشی از کوته‌بینی‌ها و به شیوه‌ای مناسب مطرح می‌شوند - البته با رعایت ظرفیت و مختصات سنی مخاطب - خود به خود آن قدر زیبا و جذاب هستند که به راحتی، مردمان پاک‌نهاد را به خود جذب و جلب می‌کنند و اغلب چنان شوری در دل‌های آنان برمی‌انگیزند که ممکن است زندگی شان را دگرگون کنند و برای همیشه، در مسیر تعالی و رشد معنوی بیندازند. از سوی دیگر، یکی از عوامل مهم در تحت تأثیر قرار دادن مخاطب، علاوه بر آشنایی کافی با شگردهای خاص این رشته هنری، وجود صداقت و صمیمیت در اثر و نویسنده آن است. نویسنده زمانی می‌تواند داستانی مؤثر و جذاب بنویسد که پیش و بیش از همه، خود تحت تأثیر موضوع و مضمون آن واقع شده باشد. این قضیه، هنگامی که به مطالب معنوی و اعتقادی مربوط می‌شود، اهمیتی دو چندان می‌یابد.

ماهنامه کودک، شماره ۱۳

اردیبهشت ۱۳۸۵

نکاهی به ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی؛ گفت‌وگو با مصطفی رحماندوست

مصطفی

پس از انقلاب، توجه به کودک، تعلیم و تربیت کودک و مدرسه‌های ویژه کودک زیاد شد و به این ترتیب، ادبیات کودک و نوجوان هم از اهمیت زیادی برخوردار شد. پیش از انقلاب، مقوله‌های جدی‌ای به نام ادبیات کودک و نوجوان نداشتیم. کتاب برای کودکان بود، اما در تیراژ محدود و در سطح خانواده‌های مرفه و بیش‌تر در سطح تهران. چند سال طول می‌کشید تا کتابی چاپ شود و به فروش برسد. بار ترجمه نسبت به تألیف خیلی بود. ترجمه‌ها انتخاب نشده بود و هر کتابی به دست ناشران می‌رسید، چاپ می‌شد؛ البته با تیراژ بسیار محدود. در حالی که حالا هر روز، تقریباً ده عنوان کتاب برای بچه‌ها چاپ می‌شود. ما در حال حاضر، چیزی حدود ۵۲ مجله برای کودکان داریم. در حالی که قبل از انقلاب فقط یک کیهان بچه‌ها داشتیم و یک اطلاعات دختران و پسران که با ۴ تا یک

می‌شود ۶ تا که با رقم ۵۲ قابل قیاس نیست. هر چند من معتقدم نباید این‌ها را با هم مقایسه کرد؛ چون همه چیز عوض شده است. جمعیت مخاطب ما از حدود ۱۲ میلیون، به چیزی نزدیک به ۳۰ میلیون رسیده (بیش از ۲ برابر شده) که اگر بخواهیم مقایسه کنیم ۲ برابر شدنش طبیعی است و بیش‌تر از آن جای بحث دارد و البته وسایل ارتباط جمعی، شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی، اینترنت و ماهواره‌ها هم در ادبیات کودک و نوجوان نقش داشته‌اند. کودک محوری در تمام جهان معنی پیدا کرده و ادبیات کودک و نوجوان در تمام دنیا گسترش یافته است. ما هم تحت تأثیر جهان، تغییرات عمده‌ای داشته‌ایم.

نویسنده‌های ما باور کردند که خودشان هم می‌توانند بنویسند. نسبت‌ها کاملاً عوض شده. قبلاً ۸۵ درصد کتاب‌ها ترجمه و ۱۵ درصد تألیف بود و بعد از انقلاب کاملاً برعکس شد. ما ایرانی‌ها بیش‌تر از داستان، تحت تأثیر شعر هستیم. در حیطه کودک و نوجوان، بچه‌ها با ریتم به دنیا می‌آیند و الا ن ثابت شده که بچه‌ها از کودکی و حتی قبل از یک سالگی، نسبت به آهنگ و موسیقی واکنش نشان می‌دهند. قصه‌گویی یکی از مهم‌ترین راه‌های گسترش مطالعه است و حتی در کشورهایی که وسایل ارتباط جمعی آن‌ها زیاد است، باز هم قصه‌گویی سطح مطالعه بچه‌ها را بالا نگه می‌دارد.

✓ کتاب ماه کودک و نوجوان

شماره ۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱

اسفند ۱۳۸۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵

نقش علوم تربیتی در ادبیات کودک

نویسنده: عبدالعظیم کریمی

دنیای کاغذی (۲)

نویسنده: فرید رشیدیانی

کتابخانه کودکان مونترال

مترجم: مریم نور ماتکی

این داستان واقعی است

نویسنده: هارت چکولین، بنجامین ترزا

مترجم: حسین رضانی

فانتزی و واقعیت در داستان‌های کودکان

نویسنده: کی‌یران اگان

مترجم: شیوا خونی

درآمدی بر ساختار داستان‌های فانتاستیک

نویسنده: کمال پهروزگیا

رتالیسم فانتاستیک

نویسنده: رزمی جکسن

مترجم: غلامرضا صراف

تحلیل روان‌شناختی شخصیت پردازی در ادبیات کودک و نوجوان (۱)

نویسنده: ابوذر کریمی - مسیح نوروزی

اهمیت واژگان پایه در شعر کودک

نویسنده: شایا محمدی رفیع

زندگی‌نامه عروسک خرسی، آشنایی با تولی اونگر،

تصویرگر کتاب کودک

نویسنده: شراره خسروانی

نقد تصویری و ادبیات کودکان

نویسنده: باربارا کیفر

مترجم: مهسا خلیلی

تحلیل کتب مصور

نویسنده: کی. ای. واندنر گریفیت

مترجم: بنفشه عرفانیان

تحول روانی از نوعی دیگر

نویسنده: طاهر فتحی

عروسک‌هایی برای توسعه مهارت‌های زبانی

نویسنده: دیوید کورل

مترجم: داریوش اسماعیلی، خاطره بهاری

چراغی رو به روشنایی (۱)، سیری در نمایش‌نامه‌های

کودک و نوجوان - دهه ۳۰

نویسنده: نسرین اسدی

کتابخانه

مامایی فکر در حلقه کندوکاو / گفت‌وگو با سعید ناجی

مجید یوربور

سایبانی برای بچه‌ها / گفت‌وگو با مدیر نشر ویدا

مسعود ملک یاری

کتابخانه

کارکرد دین و فلسفه در نقد محتوایی ادبیات کودک و

نوجوان (۱)، اولین نشست پژوهش‌های بنیادین

ما بیرون زمان ایستاده‌ایم / دومین نشست ادبیات داستانی

هیچ چیز واقعی‌تر از تخیل و مبهم‌تر از واقعیت نیست /

پنجاهمین نشست تصویرگری

نهال‌های کوچک‌مان را دریابیم

نویسنده: محمود پور وهاب

(نگاهی به کتاب فارسی بخوانیم چهارم دبستان)

آثار اسطوره‌ای حماسی کهن و قابلیت روش بازنویسی و

بازآفرینی خلاق به انواع جدید ادبی

نویسنده: جعفر پایور

عنوان کتاب: پارسیان و من

نویسنده: آرمان آرین

حیات دوباره اسطوره و تاریخ

نویسنده: حسن پارسایی

عنوان کتاب: پارسیان و من

نویسنده: آرمان آرین

مهر مادری، زبان جهانی

نویسنده: روح الله مهدی پور عمراتی

عنوان کتاب: دوست دارم برای همیشه

نویسنده: کتاب: رابرت مانس

مترجم: علیرضا طباطبایی

هویت می‌خواهید یا شناسنامه؟

نویسنده: رایگا بامداد

عنوان کتاب: بچه‌های خاک

نویسنده: کتاب: محمد رضا یوسفی

قایقی پر از تنهایی و سفر

نویسنده: شهره کاندی

عنوان کتاب: همه آن قایق‌های کاغذی

نویسنده: احمد رضا احمدی

ده قانون برای یافتن یک سنگ خوب

نویسنده: مسعود میرزا پور

عنوان کتاب: هر کسی باید سنگی داشته باشد

نویسنده: بایرد بیلر

مترجم: لیدا کاووسی

اجازه گل بدهم؟

نویسنده: اتسیه موسویان

عنوان کتاب: کلاس بهار

نویسنده: کتاب: محمد حسن حسینی

همنشینی احساس و ادراک

نویسنده: سیروس آقاخانی

عنوان کتاب: خاله سوسکه کجا می‌ری؟

نویسنده: کتاب: م. آزاد

صفحه‌ای میان دو اقلیم

نویسنده: نسرین اسدی

عنوان کتاب: آب تنی در برکه

نویسنده کتاب: سید حسین فدایی حسین

پیشگفتار

داستان‌های مصور یا قصه‌های دو زبانه

نویسنده: فرهاد صادقی

کتابخانه

برندگان نوبل ادبیات کودکان و نوجوانان / گزارش داور

ایرانی جایزه جهانی آندرسن ۲۰۰۶

نویسنده: پرناز نیری

صحنه، جان می‌گیرد/ گزارشی از فعالیت‌های کانون تأثیر

کودک و نوجوان مرکز هنرهای نمایشی

نویسنده: نسرین اسدی

می‌زنیم؟

نویسنده: حسین شیخ الاسلامی

معلق میان شاعر بالقوه و داستان نویسی بالفعل

نویسنده: زری نعیمی

ایستگاه دوستی

نویسنده: مجید کوهکن

روایت هستی‌شناسی دو شقه

نویسنده: علی ربیعی وزیری

تلف - تلفن

نگاه ایرانی به پایان ادبیات کودک

نویسنده: علی اصغر سیدآبادی

معرفی پایان‌نامه

ارزیابی ترجمه فارسی داستان‌های کلاسیک انگلیسی

کودکان و نوجوانان

تهیه و تلخیص: آرزو انواری

نگارش: علی جعفری

✓ پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۲ /

بهار ۱۳۸۵

کتاب

چیزی آغاز نشده که به پایان برسد

نویسنده: ابراهیم اقلیدی

بدن کودک و پایان‌پذیری ادبیات کودکان

نویسنده: علی اصغر سیدآبادی

زوال بزرگسالی

نویسنده: حسین شیخ‌الاسلامی

مرگ یا دگردیسی

نویسنده: مهرداد توپسرکانی

مطالعات فصل

گزیده مقاله‌شناسی توصیفی، پاییز ۱۳۸۴

به کوشش: فاطمه زمانی

فهرست گزیده مقاله‌های غیر فارسی، پاییز ۱۳۸۴

به کوشش: فاطمه زمانی

پیشگفتار

اندکی مبالغه آمیز

نویسنده: آرمن نوسسیان

هنوز قصه‌های بسیاری را نخوانده‌ایم

نویسنده: سجاد صاحبان زند

این فقط یک یادداشت است

نویسنده: مزگان کلهر

کتابخانه

پایان کتاب کودک با متغیر تلقی ما از کتاب کودک؟

حسن نمک دوست، علیرضا کرمانی، علی اصغر سیدآبادی

کتابخانه

خطی میان طنز و تخیل

نویسنده: روح‌الله مهدی پور عمرانی

وقتی از امپراتوری کلمات حرف می‌زنیم، از چه چیز حرف

کتابخانه

جهان پر از ایده است، دو گفت‌وگو با گودرون پازوانگ

مترجم: کمال بهروز کیا